

سربداران...

سینا احمدی

همراه با لنگ انداختن اصلاح طلبان حکومتی در مقابل رقبای اصولگرا، دشواری تکالیف توده ای - اکثریتی ها صد چندان شده است. این جماعت که در عطش شراکت در قدرت دولتی در زیر علم اصلاح طلبان فعالیت میکنند و دائماً در حال صغرا کبرا در باب اعتراض مدنی و مسالمت آمیز هستند، در نسخه های اخیرشان راهکارهای «چگونه می توان سازش کرد» را تبلیغ میکنند. آنها به موسوی و کروبی و خاتمی و... درس سازش میدهند!!

قسم خوردن های سران اصلاح طلب به وفاداری به خمینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی، دست به دامن خامنه ای شدن و پذیرش دولت احمدی نژاد بعد از مبارزات دلاورانه مردم در روز عاشورا شتابی مضحک یافته است. آنها و یاران توده ای - اکثریتی شان زمانی اینچنین بی پروا از راهکارهای سازش دم میزنند که رژیم هراسان و دستپاچه مخفیانه جوانان را اعدام میکند. زمانی درس سازش میدهند که وکیل آرش رحمانی پور خانم نسرین ستوده از سر درد می گوید حاضر است اعدام شود و اینهمه بی عدالتی را نبیند. واقعاً زمانه غریبی است. جائیکه احمدی نژاد که از بن لادن هیچ چیز کم ندارد از مبارزات ضداستعماری و اخیراً حقوق زنان بحث کند، یاران دیروزی او و پامنبری های امروزی اصلاح طلبان نیز بی هیچ پروائی از تاکتیک های معامله بر روی خون مردم تحت لوای طرق بهتر سازش کردن دم میزنند.

یکی از نظریه پردازان تاکتیک های معامله با دشمن مردم، آقای ناصر کاخساز است. ایشان اخیراً دو نوشته در سایت ایران امروز تحت عناوین «حجت بر جنبش سبز برای راهپیمایی اعتراضی در بیست و دو بهمن تمام شد!» و «جنبش در آستانه آزمونی خطیر» ارائه داده است. وی می نویسد: «مردم در مقابل چشمشان بیکاری، فقر، غارت، آدم کشی... را می بینند... نه ماجراجویی فراموش شده سی سال پیش چند ده جوان... مردم سپاهی و بسیجی را در مقابل خود میبینند که هیچ علامت و نشانه ای از سپاهی و بسیجی دوران جنگ ندارد...» آقای کاخساز حق دارد اینگونه بنویسد، وقتی مورخ و مبارز ضداستعماری احمدی نژادها باشند چرا آقای کاخساز تاریخ نگاری و تفاسیر اعتراضی ارائه ندهد. ایشان می فرماید سپاه دیروزی با سپاه امروزی تفاوت دارد. یعنی آن سپاهی که سازمان ایشان هوار می کشید «سپاه را به سلاح سنگین مجهز کنید» یعنی آن سپاهی که از آنها با عنوان برادران سپاه یاد میکردند و از آنها رخصت می خواستند تا در رویارویی با سربداران به سازمان اکثریت اجازه دهد علاوه بر خیر چینی با سلاح شرکت کند، با سپاه پاسداران و بسیج امروز که عمدتاً در خدمت باند اصول گرا است، تفاوت می کند!!

آقای کاخساز می فرماید این سپاه و بسیج هیچ علامت و نشانه ای از سپاهی و بسیجی دوران جنگ ندارد. در واقع نمی شود با این فرمایش آقای کاخساز مخالفت کرد. گرچه روشن است عملکرد سپاه و بسیج همانی است که در دوران جنگ بود، گیرم حالا دیگر سرانشان به قیمت خون مردم میلیارد شده باشند. خوب سی سال است در حال درندگی و غارت هستند. ولی ماهیت و عملکرد سپاه و بسیج عوض نشده است. چیزی که عوض شده عینک آقای کاخساز و سازمان متبوعش است. آن زمانها قدرتی خونخوار بنام سوسیال امپریالیسم شوروی وجود داشت که آقای کاخساز و یارانش به شکلی افراطی مبلغ آن بودند و بی چون و چرا اوامر آنرا در ایران اجرا می کردند. حال آن امپریالیست ها بعد از فروپاشی رنگ عوض کرده اند و شده اند جمهوری روسیه و آقای کاخساز و یارانش مثل بسیاری از احزاب وابسته به سوسیال امپریالیستها جبهه عوض کرده و به امامزاده های اروپا و آمریکا دخیل بسته اند. لذا امروز دیگر نمی توانند به سپاه و بسیج همانگونه نگاه کنند که دیروز نگاه می کردند. امروز رقابتی در سطح قدرت های سرمایه داری جهانی بر سر بدست آوردن کنترل برتر ایران و منطقه در جریان است، و توده ای - اکثریتی ها که با غرب نزدیک شده اند مجبورند در عین دفاع از امامزاده های جدید و ایضاً سوار شدن بر موج مبارزات مردم، همراه با شعار حق طلبانه مردم علیه امپریالیست های روس، آنها نیز شعار بدهند. از تصور قیافه توده ای - اکثریتی ها که با حرارت در میان مردم علیه روسیه شعار میدهند بی اختیار از ته دل قهقهه میزنم...

آقای کاخساز علت آنکه شما و نه مردم، سپاه و بسیج را جور دیگری می بینید ربطی به سپاه و بسیج ندارد. این شما هستید که جایتان را بالا جبار عوض کرده اید. آری ظاهراً اوضاع قاطی پاطی شده، طالبان و القاعده بر عکس جریانات مشابه شما دیروز با غرب بود و امروز با کمک روسها و غیره در مقابل غرب (هر چند غرب عمیقاً هنوز از روابط پایه ای خود با آنها بهره مند است). بهرحال، آتموقع که سازمان شما یعنی اکثریت بدون تمایز در مورد تمامی سازمان های سیاسی تحت لوای دفاع از جمهوری اسلامی «مترقی» و «ضدامپریالیست» در حال تبادل اطلاعات با سپاه و بسیج بود، یاران شما سربداران را اشرار و ضدانقلاب می نامیدند، امروز شما ولی اعتراض مدنی کن و مسالمت جو شده اید و با کلمات مثلاً مودبانه مانند آقایان موسوی و خاتمی و غیره سربداران را همچون جوانان شورشی روز عاشورا چند ده جوان ماجراجو می نامید که بزعم شما «چند روز حرکات مسلحانه و سپس پایان خونین آن» را داشتند. آن زمان که برادران پاسدار شما در ترکمن صحرا در حین کشتار خلق ترکمن، توماج و مختوم... را کشتند، آن زمان که همان برادران سپاه شما در کردستان قتل عام میکردند، آن زمان که تحت عنوان

بدحجابی بر روی زنان اسید ریخته تیغ می کشیدند، آنموقع که در زندان ها قتل عام های زندانیان سیاسی را بی تمایز انجام میدادند... آیا داشتند حلوا خیرات میکردند که سازمان شما آنگونه متعصبانه مبلغ و حامی آنها بود؟ جمهوری اسلامی اساساً تمامی جنایات خود را با اتکاء به حق انحصاری استفاده از زور به پیش برده است البته توجیهات و فریبکاری های آنها و یارانشان نیز نقش موثری داشته است. علیرغم مساعی شما و همکارانتان ولی مردم با گوشت و پوست خود این واقعیت پایه ای جامعه طبقاتی را حس می کنند که مردم بدون حزب خود یعنی ستاد فرماندهی و ارتش خلق مجبور به خفت و بردگی هستند. آقای کاخساز! شما غرور و سرافرازی مردم را ناچیز بحساب می آورید.

شما بعنوان قلم زن سازمان اکثریت مردم را گوشت دم توپ امیال خود و مراجع مورد حمایت خود میدانید، از همین روست که در جمعبندی از مبارزات مردم در روز عاشورا می نویسد: «تلاش هائی در کار است که برای برون رفت حاکمیت از بحران سیاسی، جنبش را به بحران اخلاقی بکشاند. فعال شدن سازش پیشگان و متعهدان به «امام» و حاکمیت دینی در فضای جنبش، علامت آغاز این بحران است. موسوی و کروی با همه ایستادگی شان، نخواهند توانست در برابر این دسیسه ی گسترده مقاومت کنند. مگر این که جنبش بتواند روحیه و اخلاق اش را حفظ کند. و این با تقویت موقعیت ولی فقیه ممکن نیست... هنگامیکه بدنه جنبش تکیه گاه مذاکره و سازش باشد، تردیدی نیست که مذاکره و سازش به شکل اصولی صورت خواهد گرفت...» آقای کاخساز شما مجبور هستید خود را به کوچه علی چپ بزنید. داستان سازش سران اصلاح طلب با رقبایشان است نه کسانی نامعلوم. آنها در نهایت بزدلی و منطبق با منافع طبقاتی شان برای حفظ نظام دست بدامن خامنه ای و احمدی نژاد شده اند. آنها دقیقاً مانند شما مردم مبارز را بی هیچ پرده پوشی ماجراجو و عامل بیگانه خوانده اند. آنها در سطر سطر بیانیه هایشان به اساس نظام سوگند خورده اند، حالا شما دور افتاده اید که به آنها یاد بدهید چگونه سازش کنند و مردم در مقابل کشتار و شکنجه اراذل جمهوری اسلامی چگونه اخلاق خود را حفظ کنند؟ شما با چنین وضعیت رقت باری که در آن گرفتار هستید لاجرم به کسانی که در راه خلق خود جان عزیزشان را تقدیم کرده و مرگ با سری افراشته را بر زندگی در خفت و خواری ترجیح میدهند، ماجراجو می گوئید. شما تمام خونخواری رژیم جمهوری اسلامی را مانند برادران توده ای تان به شاه و امام محدود میکنید تا مبدا انقلاب مردم کل نظام را بزیر بکشد. شما هم‌هانگ با تبلیغات قدرت های بزرگ سرمایه داری علیه کمونیسم و انقلاب قافیه بافی کرده، اندر فواید اخلاق و آهسته برو آهسته بیا حرف میزنید، نه به آن دلیل که مخالف خشونت هستید، بلکه مخالف بکار بردن نیروی قهر از جانب مردم هستید.

سربداران حاصل پیوند مبارزات مردم ما با تجارب پرولتاریای انترناسیونالیست بود. آن بذری اتفاقی نبود. هم اکنون در سراسر جهان شبخ کمونیسم با طراوت تر و سر زنده تر با درس آموزی از تمامی تجارب مثبت و منفی در گشت و گذار است. تصور پیوند مبارزات مردم ایران با کمونیسم انقلابی است که به یکسان هراس و نگرانی را در وجود قدرت های بزرگ سرمایه داری، سران جمهوری اسلامی اعم از اصولگرا یا اصلاح طلب و مداحان آنها، جریاناتی چون توده ای - اکثریتی، دامن زده است.